

## پیشگفتار

طی هجده سال تدریس به عنوان هیات علمی در دانشگاه آزاد اسلامی متوجه شده ام که افراد درک درستی از طراحی ندارند مگر کسانی که عمری را صرف یافتن این مهم کرده اند و این مهم اینجانب را بر آن داشت تا در مورد این مبحث که البته از دیدگاه بنده پایه و اساس تمام هنرها است و شاید رکن مهمی در زندگی دارد مطلبی هر چند کوتاه بنویسم.

دیدگاه فوق نقطه نظری شخصی است که طی بیست سال تجربه و فعالیت در این زمینه و همچنین نشست و برخواست با اساتید صاحب نام پیدا کرده ام.

و سعی در یافتن راه حلی برای تغییر در ذهنیت افراد که فکر می کنند تنها با دانستن فن نرم افزارهای کامپیوتری می توانند یک اثر هنری خلق کنند و این سرفصل اهمیت زیادی برای آنان ندارد. همچنین به دلیل اینکه طراحی یک کار عملی است و بصورت اختصاصی در مورد قسمت تئوری آن کتابی وجود ندارد و افراد در زمینه درک طراحی مطلبی نسییشان نمی شود.

این کتاب تلاشی است در جهت توجه تمام افراد بدون در نظر گرفتن رشته تحصیلی، تا درک نمایند طراحی، یکی از الزامات زندگی است.

قبول درک تناسب و زیباییشناسی جامعه در جهت یافته هایی است که تنها الگوسازی از دیگران را نشان می دهد. شناخت در عملکرد طراحی

می‌تواند افراد جامعه را به دیدی وسیع‌تر و انسانی‌تر راهنمایی کند معیارهای اکنون در این فضای مجازی، تماما ساختار بر بوجود آمدن توهم دروغین و کوششی در جهت غیر انسانی شدن است و هر چند افراد تلاش می‌کنند تا بر یکدیگر تاثیر بگذارند اما چون تایید دیگران آرزوی همگان است. از خود واقعی دور می‌شوند و تنها برای خوشایند دیگری فعلی را عمل می‌کنند غافل از اینکه بودن خود و شناخت برای درک خود می‌تواند آنان را به همه چیز برساند.

و اما برای رسیدن به آن، تلاشی بسیار باید کرد و این تلاش جدا از درست زیستن و شناخت کافی از اطراف، و زدودن ناخواسته‌ها و طلب بر خواسته‌ها نیست راه فوق از خود شروع و به خود پایان می‌یابد این خود هم درون و هم بیرون انسان را شامل می‌شود که به درکی کافی از زندگی نیاز دارد. امید است که با توجه الوهیت تلاش فوق به ثمر نشیند.

**با سپاس شادی قمشه**

**عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد**

**ورامین - پیشوا**

## مقدمه

انسان‌ها در زندگی با هر گونه تجربه، مذهب، ملیت، فرهنگ، سنت و اعتقادات اخلاقی و ... به شناخت و ادراک<sup>۲</sup> طراحی نیاز دارند. طراحی تنها مختص گروهی خاص همچون طراحان گرافیک، نقاشان، معماران، طراحان لباس و صحنه و ... نیست، بلکه امروزه همه‌ی انسان‌ها در مسیر زندگی، به شناخت طراحی نیاز پیدا می‌کنند. طراحی، تنها به کشیدن طرحی از روی یک<sup>۳</sup> موضوع محدود نمی‌شود. نوع نگاه کردن، صحبت کردن، پوشش، رفتار و حرکات، همگی در صورت وجود طراحی شخصی، شکل دیگری پیدا می‌کنند و این روندی است که طی آن شخص می‌تواند تمامی لحظات زندگی خود را در یک<sup>۴</sup> ترکیب‌بندی مناسب با خصوصیات فردی‌اش قرار دهد. یک فرد(طراح)، زندگی، کار، روابط اجتماعی و تمامی امور مرتبط به خود را با نقشی که<sup>۵</sup> ایدئولوژی و شیوه‌ی نگرش او بوجود آورده، طراحی می‌کند. بنابراین شناخت طراحی نقش مهمی در شکل دادن به شخصیت انسان ایفا می‌کند. طراحی با بینش، کنش و عملکرد شخص نسبت به جهان

- 
1. PERCEPTION
  2. DESIGN
  3. MODEL
  4. COMPOSITION
  5. IDEOLOG

پیرامون پیوندی ناگسستگی دارد. عدم درک درست از این واژه موجب جدا ماندن از مبحث می شود.

طراحی واژه‌ای کاربردی است که درک مفهوم آن ما را به درک عمیق‌تر دنیا و نظم موجود در آن رهنمون می‌سازد؛ همین‌طور درک این نکته که خالق ما از چه توانایی عظیمی در یافتن و متعادل کردن و شناخت تناسبات برخوردار است، بطوری که الگوسازی از آن به خلاقیت منجر می‌شود، زندگی را رنگین‌تر و امیدوارانه‌تر خواهد ساخت و آرامش را با زندگی همراه می‌سازد.

متأسفانه امروز در کشور ما، بیشترین رنگ‌های مورد استفاده، سیاه، طیف‌های خاکستری، قهوه‌ای و سورمه‌ای و ... است؛ رنگ‌هایی که استفاده مکرر از آنها به مشکلاتی از جمله افسردگی منجر خواهد شد. بنابراین در شرایط امروز که رنگ در کلان‌شهرها به تیرگی میل دارد، طبیعت از بین رفته، آلودگی هوای روز به روز افزایش می‌یابد، امکانات شغلی مناسبی وجود ندارد، معیشت سخت شده است و اساساً رفاه نسبی از بین رفته است، انسان سرگشته به دنبال راه حلی مناسب برای پی‌ریزی و استفاده مناسب از امکانات موجودش است و این مسئله (توجه به طراحی) یکی از راه‌حل‌های برای ساختن زندگی بهتر است. داشتن برنامه‌ی مشخص و آگاهی از ساختار فیزیکی و ذهنی انسان می‌تواند در پیدا کردن روش مناسب زندگی کمک کند. توجه به اطراف و سعی در بهتر کردن فضای زندگی بر روحیه افراد تأثیر زیادی می‌گذارد.

یکی از کارهایی که در این زمینه باید انجام شود، بوجود آوردن اعتماد به نفس حقیقی - و نه کاذب - نزد افراد است؛ با در نظر گرفتن این ذهنیت که دانستن طراحی، زندگی کردن همانند یک طراح است. به این معنی که در مورد نکاتی همچون درک معنای کلی 'فرم‌ها، چیدمان، ارزش گذاری آن‌ها، روابط بین اشیاء، توجه به فضای خالی و تأثیر گذاری آن فضا در محیط اطراف دقیق‌تر و آگاهانه‌تر عمل کنیم. زندگی تماماً کوششی است برای آگاهی یافتن. به دست آوردن سلیقه درست و انتخاب‌های مناسب در چیدمان - که البته نه از سر اعتماد به نفس کاذب و ناقص، بلکه با توانمندی و آگاهی از خصوصیات فرم‌ها، رنگ‌ها و تأثیر پذیری آنها نسبت به یکدیگر شکل گرفته باشد- و همینطور پرورش خلاقیت بعنوان یک فرد آگاه برای بهتر کردن محیط زندگی و زیستی خود اهمیت بسیاری دارد. چراکه این داستان از تک تک افراد در محیط شخصی شروع می‌شود و آرام آرام به کل جامعه تسریع می‌یابد.

هنگامی که شخص به این آگاهی رسیده باشد که "چه چیز مناسب و زیباست؟"، این امر موجب می‌شود که از طراحان لباس، معماران داخلی، معماران محیطی، شهرسازان، نقاشان، پزشکان، مهندسان، فروشندگان، تجار و بازرگانان، کارگران و ... زیبایی را طلب کند. می‌توانیم به مثالی توجه کنیم: وقتی بیمار می‌شویم به سراغ پزشک می‌رویم. این پزشک چقدر به ما اهمیت می‌دهد؟ چه خلق و خوئی دارد؟ چه نوع پوششی را انتخاب

می‌کند؟ طراحی مطبش به چه صورت است؟ برخورد، نوع معاینه و دقت و توجه به مشکلات بیمارش به چه شکلی است؟ و هم‌ه‌ی این مسائل ما را - به عنوان بیمار - به خود علاقه‌مند و یا از خود گریزان می‌کند. در واقع این پزشک، نوعی بسته‌بندی به ما ارائه می‌دهد که شامل تمام این خصوصیات با طراحی مورد نظر خود است. (در مثال فوق باید در نظر داشت هدف از یک پزشک ایده عال به صورت مطلق می‌باشد).

این مثال را که به سلامت جسمی ما مربوط می‌شود، می‌توان در مورد سلامت روح نیز به شکلی دیگر تعریف کرد. یکی از مسائل روزمره که همه با آن درگیر هستیم، طراحی و چیدمان منزل است که حتما در سلامت روان و روح ما تاثیر می‌گذارد. در اینگونه موارد ما خودمان دست به کار می‌شویم، به سراغ انتخاب اجناس رفته، بنا به استطاعت مالی دست به خرید می‌زنیم و چیدمان خانه را انجام می‌دهیم و البته کمتر امکان دارد که با یک مشاور طراح یا طراح داخلی منزل صحبت کنیم. این یک امر طبیعی است و البته در فرهنگ ایرانی بسیار رایج است. زیرا همه‌ی ما باور داریم که توانمندی زیادی در طراحی داخلی منزل خود داریم و با همین اعتقاد به خرید و چیدمان نهایی می‌پردازیم که شاید الگوی آن را از مجلات، اینترنت، ماهواره برداشته باشیم، یا ممکن است خودمان طرح آن را بدهیم.

هر دوی این راه‌ها بسیار خطرناک است. خرید و چیدمان عیناً بر مبنای آنچه در مجلات وجود دارد، ممکن است با زندگی فعلی ما سازگاری نداشته باشد و الهام گرفتن از آنها بدون توجه به ابعاد فضا، ساختار فرهنگی، راحتی و

استفاده صحیح از فضای در دست رس، به نتیجه‌ی درستی نمی‌انجامد. زمانی هم که خودمان برای انتخاب عناصر و چیدمان آن طرح می‌دهیم، باز به دلیل نبود آگاهی کامل از نکات مورد توجه در طراحی و شناخت فضا، به شکلی اتفاقی، محیطی را بوجود می‌آوریم که لزوماً منطبق بر صدها پارامتر موجود در شیوه‌ی زیستی ما نیست. درست مثل زمانی که برای درمان بیماری خود به متخصص مراجعه نمی‌کنیم و سعی می‌کنیم از روش خود درمانی استفاده کنیم؛ ریسکی که ممکن است ما را به بهبودی برساند، یا شاید مریضی به صورت مزمن در ما باقی بماند.

چیدمان منزل اگر همراه با ناآگاهی باشد، می‌تواند تأثیر مخربی بر روان و ضمیر ناخودآگاه ما بگذارد. این کتاب سعی دارد به‌صورت ساده و ابتدایی، خواننده را با طراحی بیشتر آشنا کند و گوشه‌ای از توانایی و قدرت طراحی در عملکرد انسان را نشان دهد شناخت در الگوی انسانی با شناخت از خود آغاز می‌شود. شناخت بی‌پرده بون، خود سانسوری عامل مخرب اعمال ماست، درک حقیقی از قبول گذشته خود و خویشاوندن خود قبول مسئولیتی که فقط به دست ماست نه هیچ کس دیگر، این مسئولیت بر عهده شخص است پس باید آگاه باشد تا بتواند دنیای درون و بیرونش را بسازد. رشد یابد و بتواند از این عمل، گذر کند. در مدار اصلی خود قرار بگیرد و درون و بیرون را با آرامش بی‌وصفش یکی سازد. آرامش از درون تو آغاز می‌شود.

## فصل ۱ زمانی می‌رسد که خوب ببینیم؟ ۱

طراحی چیست؟ ۲

طراحی عینی و طراحی ذهنی ۲

عوامل ترکیب‌بندی ۹

اصولی برای تربیت زیباشناسی ۲۵

## فصل ۲ زمانی می‌رسد که خوب عمل کنیم؟ ۴۱

شیوه‌ی طراحی ۴۲

ساختار در طراحی ۴۳

طراحی کردن ۴۴

تفاوت‌های طراحی ۴۷

تکنیک در طراحی ۴۸

کاربرد طراحی ۶۰

راه‌های رسیدن به خلاقیت ۶۲

### فصل ۳ زمانی می‌رسد که خوب درک کنیم؟ ۶۵

شناخت در طراحی ۶۶

مُد چیست؟ ۶۸

انرژی در طراحی ۷۲

بعد چهارم و فیزیک ۷۶

هماهنگی در طراحی ۸۰

### فصل ۴ زمانی می‌رسد که خوب استفاده کنیم؟ ۸۵

ایده در طراحی ۸۶

طراحی در جوامع مختلف ۹۰

کلام آخر ۹۵

منابع ۱۰۱

واژه‌نامه ۱۰۳